

پزشکیان تجربه خاتمی را تکرار می کند؟

دولت باید برای کشور تصمیمات سخت بگیرد

[سید جواد کاظمی تبار]



[دانشیار دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل]

برای تدوین و تنظیم این نوشتار، این سؤال مطرح شد که «اگر پزشکیان رئیس جمهوری نبود...؟» این سؤال درست و خوبی است، اما پاسخ به آن می تواند از زاویه های مختلف باشد. مثلاً برای پاسخ به این سؤال که «اگر پزشکیان رئیس جمهوری نبود...؟» می توانیم این سؤال را مطرح کنیم که با دولت چهاردهم

به ریاست مسعود پزشکیان باید چطور مواجه شد؟ نشان خواهیم داد که پاسخ به این دو سؤال، در نهایت به یک نقطه منجر خواهد شد. منظور از این سؤال که «با دولت چهاردهم به ریاست مسعود پزشکیان باید چطور مواجه شد؟»، این است که امروز وظیفه و مسئولیت بخش های مختلف کشور ما چیست؟ این سؤال به این دلیل اهمیت دارد که امروز مشکلات کشور مشکلات همه ماست و اگر قرار است کاری انجام شود، باید با همکاری همه باشد و نمی توان انتظار داشت که دولت به تنهایی به عنوان یک موجودیت سیاسی مشکلات را حل کند و مسائل حل شده را تحویل ما بدهد. بنابراین وقتی این سؤال مطرح می شود که با دولت پزشکیان چطور باید مواجه شد، باید پاسخ هایی از این دست ارائه داد، پاسخ هایی که ناظر بر مسئولیت جمعی ما باشد. در اخبار آمد که وزارت محترم اقتصاد به کسری بودجه ۸۰۰ همتی اشاره کرده است. به علاوه ریاست محترم جمهوری از وجود نهادهای بودجه بگیر بدون بازده گلابه کرده اند. جالب بود که با شنیدن این اخبار به یاد اواخر دهه ۷۰ شمسی افتادم. در آن زمان من دانشجوی دوره کارشناسی در دانشگاه صنعتی شریف بودم و به عنوان واحد اختیاری، درس اقتصاد کلان را با دکتر مسعود نیلی برداشته بودم. آن موقع مصادف بود با دولت اول سید محمد خاتمی و گاهی شدید قیمت نفت. به طوری که یادم هست، گفته می شد مبلغی که دولت بابت هر بشکه نفت بدست می آورد خیلی فرقی با قیمت تمام شده آن بشکه نفت ندارد. درس اقتصاد کلان دکتر مسعود نیلی از یک جهت خیلی دلچسب بود. چرا که دکتر نیلی چه قبل از جنگ تحمیلی و چه در دوره بعد از آن، دستی در امور اقتصادی دولت داشت یا حداقل اینکه می توانستیم او را یک مطلع از امور جاری کشور بنامیم و در نتیجه درس ایشان تئوری محض نبود. چیزی که دکتر نیلی در آن زمان به ما می گفت این بود که سید محمد خاتمی به حرف اقتصاددانان گوش داد

و در شرایطی که با کسری بودجه مواجه بود، از استقراض از بانک مرکزی دوری کرد. نتیجه این شد که به قول دکتر نیلی، نرخ تورم نه تنها بیشتر بلکه کمتر از قبل شد!

حالا بشنوید که چگونه دولت خاتمی با وجود کم شدن درآمد، بدون استقراض از بانک مرکزی توانست شرایط را مدیریت کند. من ترجیح می دهم به جای پرداختن به کلیات، به یک مثال خیلی ساده از نحوه مدیریت دولت در آن دوره بپردازم. والده اینجانب در آن برهه از زمان مدیر یک درمانگاه در یک بیمارستان دولتی در شمال کشور بود. اگرچه ایشان از مشکلات محل کار، خیلی در منزل سخن به میان نمی آورد، اما این مطلب را از او شنیدم که می گفت «دولت بخشنده کرده است که تا اطلاع ثانوی واحدهای درمانی باید به سمت خودکفایی پیش بروند.» معنای این حرف که آن را هم مادرم همان موقع صراحتاً گفت، این می شد که بذر و بخشش به بیماران مراجعه کننده ممنوع. لازم است کمی سفت و سخت بگیرد. (البته توجه داریم که هزینه درمان در مراکز دولتی خودبه خود خیلی زیاد هم نیستند و این سخت گیری هنوز در محدوده مدارا قرار می گیرد).

دولت خاتمی در آن زمان می توانست مسأله کسری بودجه را به روی خودش نیارد و با استقراض از بانک مرکزی همه چیز را عادی جلوه دهد. ولی اقتصاددانان نزدیک به دولت، رئیس جمهوری وقت را قانع کردند که اولاً مشکل را بپذیرد و بعد به دنبال چاره آن بگردد. نتیجه این شد که به جای آنکه کشور به خاطر کسری بودجه دچار تورم سرسام آور شود و به کل مردم فشار بیاید، دولت کمی نسبت به خودش (و معدودی از شهروندان) سخت گیرتر شد و از بحران با دست پربرون آمد. علاوه بر کاهش نرخ تورم، دولت هفتم و هشتم توانستند با کاهش هزینه های دولتی، وام های اخذ شده از کشورهای خارجی را بازپرداخت کنند و در نهایت هم پس از بازگشتن قیمت نفت به قیمت عادی، ذخیره ارزی چند میلیارد دلاری پس انداز کنند.

من رفتارهای از این دست را تصمیمات سخت مدیریتی می نامم. نکته اصلی در این تصمیمات، به رسمیت شناختن مشکل است. اینکه شجاعت پذیرش یک معضل را در کشور داشته باشیم و از بیان آن نهراسیم. دومین سختی در این راه اعمال راه حل است. راه حل هایی که بعضاً باعث نارضایتی بخشی از جامعه می شود، اما در نهایت به سود کل کشور خواهد شد. فضای امروز کشور ما دوباره نیازمند تصمیمات سخت است. اگر قبلاً فقط مسأله کسری بودجه بود، الان مشکل آب و ناترازی انرژی هم به آن اضافه شده است. امید است در سایه هم افزایی طیف های مختلف سیاسی، دولت آقای پزشکیان بتواند تصمیمات سخت خود را اخذ کند. »

نکته اصلی

در تصمیمات

سخت، به رسمیت

شناختن مشکل

است. اینکه

شجاعت پذیرش

یک معضل را

در کشور داشته

باشیم و از بیان

آن نهراسیم.

دومین سختی

اعمال راه حل

است؛ راه حل هایی

که بعضاً باعث

نارضایتی بخشی از

جامعه می شود، اما

در نهایت به سود

کل کشور خواهد

شد. فضای امروز

کشور ما دوباره

نیازمند تصمیمات

سخت است.

